



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله بیست و هشتم
موضوع جزئی: معنای عدالت - اجتناب از صغیره
سال سوم
تاریخ: ۷ بهمن ۱۳۹۱
مصادف با: ۱۴ ربیع الاول ۱۴۳۴
جلسه: ۶۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

اصل بحث ما در این بود که آیا اجتناب از صغیره در عدالت معتبر است یا نه؟ گفتیم مناسب است که در این رابطه مقدمهٔ درباره چند مطلب صحبت کنیم؛ مجموع مطالبی که باید درباره آن بحث شود چهار مطلب است که در چهار مقام آنها را طرح می‌کنیم. دو مطلب را در طی مقام اول و مقام دوم بحث کردیم؛ مقام اول درباره اصل وجود گناه صغیره بود یعنی اینکه آیا تقسیم معاصی به کبیره و صغیره صحیح است یا خیر؟ نتیجه بحث این شد که این تقسیم صحیح است و ما گناهی به نام گناه صغیره داریم. در مقام دوم بحث از ملاک گناه کبیره و گناه صغیره بود در این رابطه هم به تفصیل بحث کردیم نتیجه مقام دوم بحث هم این شد که گناه کبیره گناهی است که خداوند تبارک و تعالی وعده عذاب بر آن داده باشد مطلقاً چه در قرآن و چه در لسان ائمه معصومین علیهم السلام.

سؤال: ملاک کبیره معلوم شد ملاک صغیره چیست؟ به عبارت دیگر اگر کبیره گناهی هستند که وعده نار به آن داده شده پس در مورد صغیره آیا وعده نار داده نشده است؟

استاد: خیر این بحث را مطرح خواهیم کرد که آیا گناه صغیره نیازمند توبه هست یا نیست؟ گناهان صغیره سیئه هست ولی اعمال صالحه مکفر آنهاست؛ در اینکه گناهان صغیره جزء منهیات هستند بحثی نیست هر چیزی که مورد نهی باشد لزوماً ارتکاب آن به معنای دخول در نار نیست منهیات اعم هستند از ما توعده علیه النار. بعضی از منهیات وعده آتش بر آنها داده شده اما در مورد همه منهیات، وعده بر آتش داده نشده است مثلاً (به یک معنی اینها هم عذاب است ولی نه به معنای آن عذاب مصطلح). سیئات باعث سقوط معنوی و روحی و مانع کمالات معنوی انسان هستند. درجات انسان در عالم آخرت بسته به معرفت و تعالی روحی اوست یعنی هر چه بخواهد اینجا در این دوران در این دانشگاه باید کسب کند. فرق کسی که مراقب صغائر هم هست با کسی که نیست در این است که ممکن است هر دو قبول بشوند و مردود نشوند اما یکی نمره عالی گرفته و دیگری کمترین درجه قبولی را دارا می‌باشد. سیئات و منهیات به یک معنی این گونه نیستند که بی اثر باشند و مهمترین اثرش این است که باعث تنزل رتبه انسان است. لذا اینکه می‌بینید بزرگان ما در مورد مباحات هم ملاحظه می‌کردند به این دلیل بوده که این مراقبت دقیق در همه اجزاء و زوایای زندگی باعث تعالی و تکامل است و مرتبه انسان را بالا می‌برد پس گناهان صغیره گناهی هستند که مورد نهی خداوند قرار گرفته ولی وعده آتش بر آنها داده نشده است.

سؤال: باز هم معنای صغیره مجهول است چون از یک طرف می‌گوییم مورد نهی واقع شده و از طرف دیگر وعده آتش بر آن داده نشده است.

استاد: ما دو نهی داریم نهی تحریمی و نهی تنزیهی که با یکدیگر متفاوتند. بعضی امور نهی تحریمی به آنها تعلق گرفته و بعضی نهی تنزیهی مکروهات نهی تنزیهی به آن صورت گرفته است و محرمات نهی تحریمی.

سؤال: با ارتکاب صغیره آیا شخص مستحق عقاب می‌شود یا نه؟

استاد: استحقاق عذاب و عقاب مانند کبائر پیدا نمی‌کند؛ این دو مقدمه را اگر دقت کنید پاسخ را در می‌یابید: مقدمه اول: اینکه ما تقسیم معاصی به کبیره و صغیره را اثبات کردیم و مقدمه دوم اینکه ملاک برای گناه کبیره عبارت است از ما أوعد الله علیه النار نتیجه این دو مطلب می‌شود ما لم توعده علیه النار فهو صغیره. استحقاق عقاب از منظر عقل است که عقل شخص عاصی را مستحق عقاب می‌داند پس استحقاق عقاب و عدم آن حکم عقل است و عقل کاری به وقوع و عدم وقوع عقاب ندارد اگر مولی خواست عقاب می‌کند و اگر نکند تفضل می‌شود.

پس از یک طرف گناه صغیره داریم و از یک طرف می‌بینیم که با وجود اینکه گناه است وعده آتش و عقاب بر آن داده نشده است؛ حال چگونه می‌شود که هم گناه باشد و هم وعده عقاب داده نشده باشد؟ چنانچه عرض شد از ادله به دست می‌آید است که بر طبق بعضی از آیات و روایات خداوند متعال به اعمال صالحه گناهان صغیره را می‌بخشد و مکفر آنهاست.

البته مباحث زیادی اینجا مطرح است مثلاً آیا کسی که خودش می‌داند آدم فاسقی است ولی مردم او را عادل می‌دانند می‌تواند امام جماعت بشود؟ دخول من يعلم من نفسه أنه فاسق در قضاوت، افتاء، امامت جماعت، شهادت و همه اموری که در آن عدالت معتبر است که بحث مهمی است و مبتلاء به است. انسان واقعاً وقتی نگاه می‌کند بعضی از امور را می‌بیند که به تاریخ پیوسته و داستان شده است و دیگر کمتر می‌شود در اینها را پیدا کند نقل شده در مورد مرحوم حاج آقا رحیم ارباب که از بزرگان بود و متمول هم بود ولی متمولی بود که خیر کثیر داشت و به دیگران زیاد کمک می‌کرد روزی به عنوان امام جماعت ایستاده بود کسی در بین دو نماز شروع کرد به تعریف کردن از امام جماعت که ایشان در مقابل او ایستاده که این دروغها را چرا می‌گویی و با او برخورد کرد و نماز جماعت را رها کرد و از مسجد خارج شد. یا راجع به امام (ره) در تحریر الوسيلة بعضی نقل می‌کنند که ما در صدد چاپ کتاب تحریر بودیم و پس از چاپ و یک نسخه را فرستادیم بیت امام، اول صبح من را خواستند و به من گفتند که این کارها چیست و چرا این را چاپ کردید و چرا این جمله را نوشته‌اید: «زعيم الحوزات العلمية» و دستور دادند که کتابها را داخل رودخانه بریزند لکن با این شرط که این جمله پاک شود اجازه نشر آن را دادند.

بهرحال در این مسئله باید انسان همه چیز را کنار بگذارد و ببیند ادله چه چیزی را اقتضاء می‌کند البته بعضی از فقهاء معتقدند دخول من يعلم من نفسه أنه فاسق، اشکال ندارد و بعضی هم اشکال کرده‌اند.

مقام سوم:

در این مقام بحث از این است که آیا اصرار بر صغیره جزء گناهان کبیره محسوب می‌شود یا نه؟ کسی که مصر بر گناه صغیره است آیا یعد من اهل الكبائر ام لا؟ اینجا لازم است قبل از آنکه به این مطلب رسیدگی کنیم بحث کنیم که اصرار بر صغیره به چه معناست؟

معنای اصرار بر صغیره:

در این رابطه چندین نظر مطرح شده است:

قول اول: اینکه منظور از اصرار بر صغیره زیاد مرتکب شدن گناه صغیره است چه از یک نوع باشد چه از انواع مختلف

قول دوم: اینکه مراد مداومت بر یک نوع گناه صغیره است.

قول سوم: منظور از اصرار بر صغیره عدم توبه مرتکب گناه صغیره است که این قول را مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار می-فرمایند قول بسیار ضعیفی می‌باشد که نفس عدم توبه از گناه صغیره اصرار بر صغیره باشد. قائلین به این قول این گونه دلیل آورده‌اند که کسی که مرتکب گناه صغیره می‌شود و توبه نمی‌کند این عدم توبه و عدم بازگشت و پشیمانی او یعنی این بر مخالفت و عصیان باقی می‌باشد و این مخالفت استمرار پیدا کرده است و تنها زمانی از دایره مخالفت بیرون می‌آید که بر گردد؛ این شخص یک راه اشتباهی را طی کرده قدم در این راه گذاشته تنها در صورتی برمی‌گردد که توبه کند و در این صورت است که می‌شود گفت که اصرار بر ادامه این راه ندارد پس عدم توبه از گناه صغیره، همان اصرار بر صغیره است.

قول چهارم: قولی که شهید اول در کتاب قواعد^۱ بیان کرده است؛ ایشان می‌فرماید اصرار بر دو قسم است اصرار فعلی و اصرار حکمی منظور از اصرار فعلی مداومت بر نوع واحد از صغائر است بدون توبه یا اکتار از جنس صغائر بدون توبه است در مورد نوع واحد تعبیر مداومت بکار برده‌اند و در مورد جنس صغائر تعبیر اکتار بکار برده است و گونه چه مداومت بر نوع واحد و چه اکتار از انواع مختلف اگر بدون توبه باشد این اصرار فعلی است.

اصرار حکمی عبارت است از عزم بر فعل آن صغیره بعد از فراغ از آن صغیره یعنی تصمیم بر انجام مجدد آن دارد. لذا اگر کسی صغیره مرتکب شود و غفلت از توبه کند و به ذهنش نرسد که بعد از ارتکاب صغیره باید توبه کند در عین حال عزم بر انجام دوباره آن کار را هم ندارد، آن شخص مصر محسوب نمی‌شود و اصرار بر صغیره نیست. مرحوم شهید در اینجا می-فرماید این اصرار بر صغیره از اعمالی است که به واسطه اعمال صالحه مثل صوم، صلاة و وضو جبران می‌شود چنانچه در روایات هم آمده است که ایشان روایاتی را در این باب نقل می‌کنند.^۲ برخی بزرگان هم از مرحوم شهید تبعیت کرده‌اند از جمله شهید ثانی^۳ و مقدس اردبیلی.^۴

بحث جلسه آینده: مجموع این چهار نظریه اینجا وجود دارد. اما باید که کدامیک از این اقوال صحیح است و مقتضای ادله چیست و اصلاً حالات و اقسام مختلف ارتکاب صغیره کدام است که در جلسه آینده به بررسی آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. موسوعه شهید اول، کتاب قواعد، ج ۱۵، ص ۱۳۹، قاعده ۶۸.

۲. مراجعه شود به کافی، ج ۳، ص ۷۰-۷۲.

۳. شرح لمعه، ج ۳، ص ۱۳۰.

۴. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۲، ص ۳۲۰.